

بررسی و تحلیل عبارت «يَمَلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ

جَوْرًا» در توصیف جهان پیشا ظهور

سید علی کاظمی^۱

چکیده

در روایات متعددی از پیامبر و ائمه علیهم السلام عبارت «يَمَلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» در وصف جهان قبل از ظهور امام زمان علیه السلام وارد شده است که اگر عبارت مذکور مورد دقت و بررسی قرار نگیرد، می‌تواند دست مایه بسیاری از سوء برداشت‌ها و انحرافات شود.

این نوشتار، با رویکرد حدیث پژوهانه و روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این عبارت می‌پردازد. بررسی‌ها نشان می‌دهند که ظهور بر «امتلاى ظلم» متوقف نیست و مهم‌تر از علایم، ظهور، شرایطی دارد که «اقبال عمومی» از جمله آن‌ها است. این اقبال عمومی به دوصورت می‌تواند اتفاق بیفتد: یا این که بشر با اقبال معرفتی و کسب آمادگی، طالب منجی و فرج رخ می‌دهد؛ و یا این که بخاطر سخت شدن شرایطش، اقبال اضطراری پیدا کند و در نتیجه به منجی طلبی کشیده شود. بنابراین، این عبارت فقط نوعی خبر از آینده است که بشر راه دوم را خواهد پیمود و لذا دچار ظلم می‌شود.

واژگان کلیدی: آخرالزمان، فراگیری ظلم، ظهور، شرایط ظهور، اقبال عمومی.

جای هیچ تردیدی نیست که سرنوشت انسان با اعمال اختیاری او رابطه دارند. آدمی وجود این رابطه را در زندگی خود مشاهده می‌کند و در قرآن کریم نیز بر این مطلب تاکید شده است. قرآن، هم سرنوشت هر شخص را در دست خودش می‌داند: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾^۱ و هم سرنوشت جامعه را با خواست و عملکرد مردم پیوند زده است ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۲ یعنی، تعیین سرنوشت جامعه، به خوبی یا بدی، در دست مردمان آن جامعه است. این همان سنتی است که تبدیلی در آن راه ندارد: ﴿وَلَنْ نَّجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾^۳. از این رو باید با توجه به این سنت‌های الهی، معنا و جایگاه برخی روایات مربوط به آخرالزمان و ویژگی‌های آن را بیان کرد. در روایات فراوانی، ویژگی مهم دوران قبل از ظهور امام زمان عجل الله فرجه وجود ظلم در گسترده جهانی است: «یملأ الارض قسماً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً». لذا لازم است نسبت این روایات با اختیار انسان‌ها و نقشی که در به وجود آمدن این ویژگی مهم دارند، روشن شود. این نگاه است که می‌تواند انسان را از چالش‌های پیش رو مصون و او را در مسیر حرکتش حفظ کند.

در برخورد با این روایات دو نوع نگاه و برداشت وجود دارد: یک نگاه چالش‌زا و آسیب آفرین است و دیگری متناسب با سنت‌های الهی و روشن کننده مسیر حرکت انسان به سمت سعادت. در این نوشتار، ضمن بررسی روایات، به تبیین دلالت آن‌ها پرداخته و نظر مختار بیان می‌شود.

آموزه‌های مهدویت مانند سدی مستحکم در مقابل ترفندها و هجمه‌های منحرف کننده است. از مهم‌ترین ترفندهای دشمنان برای مقابله با جبهه حق این بوده است که آن‌ها را از مبارزه و استقامت بازدارد؛ چرا که اگر باور جبهه حق از مبارزه علیه جبهه کفر برگردد و حق مداران دیگر یارای مقابله را در خود نبینند و یا احساس کنند مبارزه و استقامت نیازی نیست؛ همان روز پیروزی جبهه باطل رقم خواهد خورد.

دشمنان برای رسیدن به این هدف، یکی از بهترین راه‌ها را استفاده از روایات -مقبولات ما-

۱. نجم: ۳۲.

۲. رعد: ۱۱.

۳. فتح: ۲۳.

می‌دانند. به این صورت که مسلمان سست ایمان یا واداده‌ای را پیدا کنند تا روایات را به گونه‌ای دیگر معنا و تفسیر کند. همین کار باعث استفاده نابه‌جا و گمراهی عده‌ای خواهد شد که از آن جمله به روایات امتلاء ظلم در آخرالزمان می‌توان اشاره کرد؛ زیرا در صورت بد تفسیر کردن آن‌ها، یا ممکن است فساد و تباهی ترویج شود (به امید ظهور زودتر) یا باعث ناامیدی و یاس گردد؛ با این توجیه که جامعه قبل از ظهور همه تاریک و ظلمانی است. براین اساس، ضروری است این روایات مورد بررسی قرار بگیرند و فهم درستی - که با آیات، سیره و روایات صحیح معصومان موافق است از آن‌ها صورت پذیرد.

باید اذعان کرد منابع متعددی به موضوع «فساد در آخرالزمان» اشاره کرده‌اند؛ اما منابعی که آن را بسط داده باشند، بسیار محدودند. در مقاله «عدالت جهانی نماد سیاست مهدوی» (طباطبایی، زمستان ۱۳۸۳، ص ۲۶۳) با روش حدیث پژوهی، تواتر این روایات بیان شده است. در آثار پرسش و پاسخ مربوط به مهدویت، به سوال فراگیری ظلم در آخر الزمان اشاره شده است. کتاب‌هایی چون «تاریخ پس از ظهور» (صدر، ۱۳۸۲، ص ۱۰۳)؛ «بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت» (اکبرنژاد، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱) و «حکومت جهانی مهدی» (مکارم، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱) به مفهوم این روایات اشاراتی گذرا صورت داده‌اند.

وجه تمایز این تحقیق آن است که به صورت ویژه به عبارت «يَمَلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» پرداخته است و بعد از بیان نکات گوناگون و متفاوت قابل استفاده از این عبارت، به تحلیل و بررسی ارتباط امتلای ظلم با ظهور پرداخته است.

اول: بررسی کلیات

۱. بررسی سندی

«يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا». این عبارت که در وصف جامعه قبل از ظهور می‌باشد، بسیار مشهور و از پیامبر خدا ﷺ در مصادر حدیثی شیعه و اهل سنت این عبارت فراوان ملاحظه می‌شود. این در حالی است که این عبارت از همه ائمه - با اختلافاتی - به ما رسیده است. البته گزارش مفصل آن در وسع این نوشتار نیست؛ ولی مراجعه اجمالی به کتاب کمال الدین و

کتاب معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام موید این ادعا است.^۱ مصادر حدیثی فراوان شیعه و اهل سنت این روایت را ذکر و نکته مهم، این که بسیاری از کتاب‌های شیعی این متن را از طریق اهل سنت با سلسله روات مشهور آنان از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده‌اند.^۲ (طباطبائی، زمستان ۱۳۸۳، ص ۲۶۳). این متن از ۱۸ تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گزارش شده است: ۱. امام علی علیه السلام، ۲. امام حسن علیه السلام، ۳. امام حسین علیه السلام، ۴. ابوسعید خدری (از او بیش‌ترین تعداد روایت معتبر در آثار سنیان نقل شده است)، ۵. عبدالله بن مسعود، ۶. ابو هریره، ۷. عباس بن عبدالمطلب، ۸. عبدالله بن عباس، ۹. عبدالله بن عمر، ۱۰. عبدالله الصدفی، ۱۱. حذیفه بن یمان، ۱۲. علی الهلالی، ۱۳. جابر بن عبدالله انصاری، ۱۴. سلمان فارسی، ۱۵. عبدالرحمن بن عوف، ۱۶. عمار بن یاسر، ۱۷. ابوظفیل، ۱۸. تمیم الداری.^۳

با توجه به تنوع و گوناگونی افراد گزارش کننده، متن حدیث را می‌توان متواتر شمرد؛ چرا که توافق

۱. در منابع و مصادر شیعه و اهل سنت نزدیک ۱۳۰ حدیث، دلالت بر این دارد که امام مهدی علیه السلام زمین را پس از آن‌که از ظلم و ستم پر شده است از عدل و داد آکنده می‌سازد (ر.ک: منتخب الأثر، ص ۴۷۸، به نقل از کتاب با جاری انتظار، ص ۱۵۳، باورقی) در کتاب بحار الانوار ۱۲۹ روایت با نمایی «سیطره الجور قبل ظهور المهدی» وجود دارد.

۲. مصادر شیعی: الاصول الستة عشر، ۱۵؛ الکافی، ۳۳۸/۱ و ۳۴۱ و ۵۲۶؛ کامل الزیارات، ۵۴۹، من لایحضره الفقیه، ۱۷۷/۴؛ علل الشرائع، ۹۸/۱ و ۱۶۱؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱ و ۲۹۷؛ الخصال، ۳۹۶؛ الامالی، ۷۸ و ۴۱۹؛ التوحید، ۸۱ و ۸۲؛ کمال الدین و تمام النعمه، ۱۳۹ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۶۲؛ معانی الاخبار، ۱۲۴؛ کفایه الأثر، ۴ و ۶۰؛ روضه الواعظین، ۱۰۰ و ۲۵۵؛ کتاب سلیم بن قیس، ۱۸۴؛ المسترشد، ۶۱۴؛ دلائل الامامه، ۱۷۶ و ۳۶۸؛ کتاب الغیبه لنعمانی، ۶۱ و ۸۱؛ الفصول المختار، ۲۹۶ و ۲۹۷؛ الاعتقادات، ۹۵ و ۱۲۲؛ المزار، ۱۶۴؛ المسائل الجارودیه، ۱۱؛ رسائل فی الغیبه، ۱۲/۲؛ الارشاد، ۲/۳۴۰ و ۳۴۰؛ غیبه الشیخ الطوسی، ۱۴۰/۱۸۰؛ الاختصاص، ۲۰۹؛ کنز الفوائد، ۱۱۳؛ الامالی للطوسی، ۲۹۲ و ۳۸۲ و ۵۰۱؛ الغیبه، ۴۲ و ۴۶؛ تفسیر العیاشی، ۱۵/۱ و ۶۶ و ۲۵۴ و ۲۹۰؛ تفسیر القمی، ۴۵/۲ و ۳۱۷؛ بشاره المصطفی، ۱۱۵.

مصادر سنی: مسند احمد: ۱/۹۹ و ۲۷/۳ و ۲۸ و ۳۶. سنن أبي داود: ۳۰۹/۲ و ۳۱۰ و ۳۱۱. سنن الترمذی: ۴/۲۲۳۱/۵۰۵. المستدرک: ۴/۴۴۲ و ۴۶۴ و ۴۶۵. المصنف لعبد الرزاق: ۱۱/۳۷۲ و ۳۷۳. المصنف لابن ابی شیبه: ۶۷۸/۸ و ۶۷۹. مسند أبي يعلى: ۲/۲۷۵ و ۳۶۷. صحیح ابن حبان: ۲۳۶/۱۵ و ۲۳۷ و ۲۳۸. المعجم الصغیر: ۲/۱۴۸. المعجم الاوسط: ۱۵/۲ و ۵۵. المعجم الکبیر: ۳/۵۸ و ۱۰/۱۳۳ و ۱۳۴. تاریخ بغداد: ۱۰۹/۱ و ۳۸۷ و ۴۰۷/۹ و ۴۷۸.

۳. این اسامی از جلد اول معجم احادیث الامام مهدی علیه السلام استخراج شده است. طبیعی است که با جست جوی بیش‌تر، اسامی افزون‌تری به دست بیاید.

بر کذب میان این افراد ممکن نیست (همان).

برخی از علمای اهل تسنن، به تواتر این روایات اذعان دارند. محمد کاظم موسوی در مقدمه بر کتاب «العرف الوردی فی احادیث المهدی»، اثر سیوطی، عالم برجسته اهل تسنن، نام چند تن از علمای اهل تسنن را که به تواتر احادیث مهدویت معترفند؛ ذکر می‌کند. برخی از این عالمان، علاوه بر اثبات تواتر روایات مهدویت، روایات برخی از ویژگی‌های امام زمان عجل الله فرجه را متواتر دانسته؛ یا این که این تواتر را نقل کرده و آن را رد نکرده اند. به عنوان نمونه می‌توان به این بیان اشاره نمود: «قد تواترت الأخبار و استفاضت عن رسول الله صلى الله عليه وآله بذكر المهدی، و أنه من أهل بيته، و أنه يملك سبع سنين، و أنه يملأ الأرض عدلاً» که سیوطی این تواتر را نقل کرده و آن را رد نکرده است. این معنا از علمای دیگر اهل سنت هم بیان شده است.^۱

آیت الله محمد صدر (صدر، ۱۳۸۲: ص ۱۰۳)، علامه طباطبایی (طباطبائی ۱۴۱۷: ج ۱۴، ص ۳۳۷) و مرحوم میرزا محمد تقی اصفهانی (محمد تقی اصفهانی، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۱۶۹) نیز بر تواتر این روایات تاکید کرده اند.

۲. بررسی اختلافات

بسیاری از کتاب‌های حدیثی شیعه و اهل تسنن، عبارت مذکور را با اندکی اختلاف، در احادیث مختلف، نقل کرده‌اند:

۱. يَمْلَأُ الارض قسظاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً.^۲

۲. يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛^۳

۱. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الحافظ أبو الحسن محمد بن الحسين الابرى السجزي صاحب كتاب «مناقب الشافعي» ؛ ابن القيم في كتابه «المنار»؛ الحافظ ابن حجر في تهذيب التهذيب، في ترجمة محمد بن خالد الجندي؛ مرعي بن يوسف في كتابه «فوائد الفكر في ظهور المهدي المنتظر»؛ صديق حسن في كتابه «الإذاعة لما كان وما يكون بين يدي الساعة»؛ السيوطي في آخر جزء «العرف الوردی في أخبار المهدی»؛ محمد البرزنجي في كتابه «الإشاعة لأشراط الساعة» (سيوطی ۱۳۸۵: ص ۴۱).

۲. احمد بن حنبل، احادیث المهدی؟ عج؟ من مسند احمد بن حنبل و كتاب البيان، في اخبار صاحب الزمان عجل الله فرجه، ص ۱۰.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۱.

۳. يَمَلُّهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا...^۱؛
۴. يَمَلُّ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛^۲
۵. يَمَلُّ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛^۳
۶. يَمَلُّ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ شَرًّا؛^۴
۷. فَيَمَلُّهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛^۵
۸. يَمَلُّ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.^۶

عبارات مذکور، همان گونه که مشاهده می‌شوند، به یک شکل و صورت صادر نشده‌اند. در عین حال، این اختلافات به معنای اصلی که بر شدن زمین از قسط و عدل بعد از ظلم و جور (البته پس از ظهور) می‌باشد؛ خللی وارد نمی‌کند. دلیل این اختلافها، ممکن است نقل به معنا یا تصحیف باشد که البته معنای اصلی در همه روایات واحد است؛ اما باید دقت کرد که برخی برداشت‌ها و استفاده‌ها -مثل استفاده از تقدم و تاخر برخی کلمات- از این روایات، زمانی صحیح است که این اختلافها وجود نداشته باشند.

۳. شناخت واژگان

«قسط»: قسط در لغت به معنای بهره و نصیب می‌باشد.^۷ این واژه با ریشه واحد، بر دو معنای متضاد دلالت می‌کند. در مقابل معنای یاد شده، «القسط» به معنای جور است.^۸

عدل: «عدل» در لغت، به برابری حکم کردن است؛^۹ اما برخی از تعاریف عدل، به «نتیجه» است؛

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۶۰.

۲. همان، ص ۷۵.

۳. همان، ص ۸۶.

۴. همان، ص ۲۳۸.

۵. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۱۷.

۶. طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۸۰.

۷. جوهری، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۳، ص ۱۱۵۲ و ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۳۷۵.

۸. ابن فارس، معجم المقاییس اللغة، ج ۵، ص ۸۵.

۹. همان، ج ۴، ص ۲۴۶.

مثل این که بگوییم، عدل: «قراردادن هر چیزی در جای خودش» می‌باشد؛ همان‌گونه که امیرالمؤمنین علی علیه السلام از عدل چنین تعبیر کرده‌اند: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا»؛ عدل هر چیز را به جای خود قرار می‌دهد^۱ این نکته بدان معناست که نتیجه و هدف عدل و شاخصه اصلی آن این است که هر چیز در جای خود قرار گیرد و هر کس به آنچه شایسته است؛ برسد.

تفاوت بین قسط و عدل:

بین دو واژه بیان شده، تفاوت‌هایی وجود دارد که به عنوان نمونه می‌توان به این تفاوت اشاره کرد: «قسط اجرا و تحقق عدل است و پیامدش نیز تطبیق عدل بر موارد و جایگاه‌های خارجی آن است»^۲؛ اما با توجه به معنایی که برای این دو واژه بیان شد، روشن می‌شود که قسط از عدل مفهومی وسیع‌تر دارد؛ به این معنا که در برخی از موارد، اجرای «عدل» به معنای اجرای ظلم خواهد بود؛ چرا که در عدل نگاه به ظرفیت‌ها و مناسبات وجود ندارد و اجرای آن برای همه یکسان است؛ اما قسط این‌گونه است که اجرای آن با توجه به همه شرایط، ظرفیت‌ها و مناسبات صورت می‌پذیرد.

دوم: تحلیل دلالی

بعد از بررسی سندی و لغوی، لازم است دلالت روایات هم مورد بررسی قرار گیرند. موارد ذیل با دقت در عبارت «بِمَالِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» قابل استفاده است:

۱. همه زمین

الف و لام جنس در کلمه «الارض» و بدون قید بودنش، بر گستردگی ظلم در همه زمین دلالت می‌کند. بنابراین، همان‌گونه که قسط و عدل در همه زمین اتفاق می‌افتد، ظلم و جور در همین دایره می‌باشد؛ یعنی همه موجودات از این ظلم تاثیر خواهند پذیرفت؛ چرا که گستره آن به انسان‌ها محدود نیست.

۱. شریف الرضی، نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷.

۲. عسکری، معجم الفروق الغویة الحاوی للکتاب ابی هلال العسکری و جزء من کتاب السید نورالدین جزائری،

۲. جهان شمولی ظلم

سوالاتی که در این جا مطرح می‌شود، این است که کاربست واژه «امتلاء» در این روایات به چه معنا است؟

۱. پر شدن از ظلم به معمای «غالب شدن» آن است:

با عنایت به معنای لغوی این کلمه و این که «همانا خصوصیات امتلاء به اختلاف ظرف و مظروفش مختلف می‌باشد»^۱ در این جا هم پر شدن زمین، متناسب با خودش باید معنا شود. به همین دلیل تقریباً همه کسانی که به شرح این روایات پرداخته‌اند، در مورد «فراگیری ظلم» معنای «غالبیت» را استفاده کرده‌اند. «لزومی ندارد که فاسد در تمام نقاط جهان آشکار گردد، بلکه معیار، چهره نوعی مردم جهان است، خواه در شرق باشد یا غرب؛ و به تعبیر دیگر، این حکم مانند بسیاری از احکام بر اساس روش غالب است»^۲:

۲. پر شدن ظلم به معنای کامل و تام (غیر مجاز بودن مقابله با ظلم)؛

۳. این نوع روایات جنبه تمرینی دارد!^۳

پر شدن ظلم به معنای کامل و تام

بعضی با استناد به روایات یاد شده، بدون این که هیچ اقدامی صورت دهند؛ منتظر ازدیاد ظلم و ستم هستند، تا بدین وسیله ظهور تعجیل یابد! گرچه بعضی از آن‌ها دست به ظلم نمی‌برند؛ گروهی از دوستان هم فکر ایشان می‌گویند، چرا دست روی دست بگذاریم و در انتظار وفور ظلم و ستم بنشینیم، بلکه باید برای ازدیاد ظلم و ستم قیام کنیم؛ باید آستین بالا بزنیم و زمین را دریای خون کنیم تا به دیدار مولایمان برسیم! (نودهی، ۱۳۸۵: ص ۹). البته شاید کسی به صراحت این حرف و برداشت را بیان نکرده باشد؛ از برخی اظهار نظرهای دقیقاً یا به دلالت التزامی، همین معنا استفاده می‌شود. مثل سخن طیفی از بزرگان انجمن حجتیه که در آن دوران مورد نقد جدی بزرگانی همچون امام خمینی و استاد

۱. مصطفوی، التحقيق فی کلمات قرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۱۵۴.

۲. مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، ص ۱۷۱.

۳. برخی بی اطلاع‌ها این نوع سخنان را مطرح کرده‌اند که جواب آن این قدر روشن است که به بیان نیازی ندارد.

(رک: حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت، ص ۳۲۰).

مطهری قرار گرفتند.

نقد

هر چند بر این برداشت از این روایات نقدهای فراوانی وارد شده است؛ از میان سخن بزرگان، سخن امام خمینی بسیار دقیق و در خور تأمل بیش تر است. امام در مقابل این تفکر فرمودند:

«به حسب رأی این جمعیت که بعضی‌هاشان بازیگرند و بعضی‌هاشان نادان؛ این است که ما باید بنشینیم دعا کنیم به صدام! هر کس نفرین به صدام کند، خلاف امر کرده است. برای این که حضرت دیر می‌آیند ... ما باید دعاگوی آمریکا باشیم و دعاگوی شوروی باشیم و دعاگوی اذنباشان، از قبیل صدام باشیم و امثال این‌ها. تا این که عالم را پر کنند از جور و ظلم و حضرت تشریف بیاورند.^۱

به علاوه برای نقد این برداشت مذکور، در کتاب‌های پرسش و پاسخ مطالب ارزنده و فراوانی بیان شده است که به اختصار و فهرست وار به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. فراگیری ظلم و ستم شرط ظهور نیست؛

۲. فراگیری ظلم از علائم حتمی نیست؛

۳. انتظار در همه روایات، عمل معرفی شده است و با گوشه نشینی سازگاری ندارد؛

۴. اطلاق اجرای واجبات، از جمله امر به معروف و نهی از منکر و منحصر نبودن به زمان خاصی؛

۵. عدم دلیل برای دست روی دست گذاشتن تا ظهور؛

۶. تقوا و ورع مهم‌ترین وظیفه منتظران؛

۷. وجود روایات بسیاری در تحسین مردم آخرالزمان؛

۸. وجود یاری دهندگان زمینه سازان قیام جهانی، مثل یاران سید خراسانی و یمانی که مورد تایید

اهل بیت هستند و قبل از ظهور قیام خواهند کرد.

۳. گسترش ظلم نه ظالم

آنچه در این روایات بیان شده است، «پر شدن زمین از ظلم و جور» می‌باشد. بنابراین، مراد آن است که در آخرالزمان زمین پر از «ظلم» می‌شود؛ نه پر از «ظالم»، تا کسی مدعی شود که پس همه باید

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۸۹.

ظلم کنند و یا کمک ظلم باشند. این که زمین از ظلم پر می‌شود و در عین حال همه انسان‌ها ظالم نیستند؛ به این معناست که چه بسا یک نفر (مانند صدام) ملت و کشوری را مورد ظلم قرار دهد. پس روشن است که این روایات مجوزی برای فساد کردن یا تن به فساد دادن نیست، بلکه تعبیر ظلم در روایات به این مهم رهنمون می‌شود که این فساد به هیچ عنوان مورد تایید نیست.

۴. شباهت فراگیری ظلم به جهان شمولی عدالت

تقریباً در همه روایات، عبارت «کما ملئت» آمده است. یکی از مهم‌ترین نکات در عبارت مذکور، رهنمونی به این مطلب است که جهانی که بعد از ظهور در همه ابعادش با قسط و عدالت پر خواهد شد؛ قبل از ظهور در همه این ابعاد در ظلم و فساد غوطه‌ور بوده است. البته همان‌گونه که قبلاً بیان شد، «فراشمولی» به معنای «غالب شدن» است؛ یعنی قبل از ظهور صدای ظلم بر صدای حق غالب است که بدیهی است این نکته به معنای نبود صدای حق نیست؛ بلکه به معنای آن است که ظلم به اندازه‌ای گسترش داشته است که به هر کجا نگاه می‌شود، جز فساد چیزی دیده نمی‌شود؛ هر چند گوهر حق نیز وجود دارد.

نکته دیگر این که عکس این سخن نیز می‌تواند برای بعد از ظهور صادق باشد؛ به این معنا که در آن زمان، حق غالب می‌شود و این غالبیت دال بر نابودی مطلق ظلم و گناه نیست؛ چرا که نفس اماره و اختیار از انسان گرفته نمی‌شود.

۵. مراد از ظلم

در مورد «ظلم» دو نکته بسیار مهم لازم است روشن شود: اول این که ظلم چیست و نکته دوم این که ظلم در کدام مقوله ریشه دارد؟

در پاسخ به سوال اول باید گفت: در فرهنگ اسلامی، «ظلم» معانی و مصادیق متعددی دارد و در آیات و روایات این کلمه به سه مفهوم به کار رفته است:

۱. ظلم در معنای کفر و شرک نسبت به خدا؛

۲. ظلم نسبت به خود (گناه و عصیان)؛

۱. قرآن کریم شرک را ستمی بزرگ برشمرده است: ﴿... إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (لقمان: ۱۳).

۳. ظلم نسبت به دیگران (ستم و تجاوز)^۲.

مفهوم فراگیری ظلم در آخرالزمان به این نکته اشاره دارد که دنیا در آن زمان از همه مصادیق ظلم، یکی از مهم‌ترین انواع ظلم که از نگاه قرآن بزرگ‌ترین آن‌هاست، «شُرک» نسبت به خداوند متعال است: ﴿إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾؛ که در آخرالزمان فراگیری گسترده‌ای خواهد یافت و بر همین اساس، خداوند یکی از ویژگی بارز زمان ظهور را دوری از شرک می‌داند.^۳ مصادیق ظلم در آخر الزمان در روایات فراوانی بیان شده‌اند که می‌طلبد به صورت جداگانه به آن‌ها پرداخت.

در مورد سوال دوم که منشأ این ظلم چیست؛ عوامل متعددی برای به وجود آمدن این ظلم دست‌به‌دست هم داده‌اند؛ اما باید اذعان کرد که مهم‌ترین عامل، همان ممانعت از مدیریت ولی خدا در امور بشر است. همان‌گونه که حضرت صدیقه طاهره علیها السلام فرمودند: «أَمَا وَ اللَّهِ لَوْ تَرَكُوا الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ، وَ اتَّبَعُوا عِثْرَةَ نَبِيِّهِ، لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ اثْنَانِ؛ به خدا قسم، اگر حق را به اهلش واگذار و عترت پیامبرش را تبعیت می‌کردند؛ حتی دو نفر هم درباره خدا باهم اختلاف نمی‌کردند.»^۴ از عوامل دیگر می‌توان به دنیاگرایی، ظهور مدرنیته و انسان‌محوری اشاره کرد. در عصر جدید و با توجه به پیشرفت تکنولوژی‌های گسترده، زمینه برای ظلم در عالم بسیار فراهم شده است و قدرتمندان از این فرصت نهایت بهره را می‌برند.

سوم: رهیافت

«رهیافت» به معنای رویکرد و نگرش است؛ یعنی رویکرد و نگرش. در برخورد با این عبارت، دو

→

۱. در آیات متعددی از قرآن از «ظلم به خود» سخن به میان آمده است که برای نمونه به این موارد می‌توان اشاره کرد: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ...﴾ (فاطر: ۳۲) و ﴿... وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ﴾ (طلاق: ۱).

۲. یکی از آیات قرآن که در آن از ظلم به مردم سخن گفته شده، این آیه است: ﴿إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ...﴾ (شوری: ۴۲).

۳. ﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾ (نور: ۵۵).

۴. خزاز رازی، کفاية الاثر في النص على الائمة الاثني عشر، ص ۱۹۹.

موضوع مهم قابل گفتن است که در ادامه توضیح کامل آن‌ها خواهد آمد.

باید توجه داشت که روایات معصومان را باید با توجه قرآن و سنت‌های قطعی آن همچون: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾^۱ سنجدید و از طرفی روایات مهدویت را نیز باید با توجه به اصول ثابت مهدویت همچون شرایط و علائم حتمی ظهور ملاحظه کرد. وقتی این روایات در کنار مبانی دیگر قرار می‌گیرند، نکاتی حاصل می‌شوند که در فهم بهتر روایات نقش مهمی ایفا می‌کنند. از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. سیاه نبودن جهان قبل از ظهور به صورت مطلق

از نکاتی که در مورد این روایات باید روشن شود تا جلو برخی سوء برداشتها مسدود گردد، این است که اصولاً این روایات وضعیت جامعه قبل از ظهور را چگونه ترسیم کرده‌اند. آیا این رویکرد، تصور صحیحی است که جامعه قبل از ظهور را تماماً تاریک و همچون شب ظلمانی معرفی می‌کند؛ یا این که باید گفت قبل از آمدن آن خورشید عالم تاب به سبب شعاع نورش، همچون سپیده دم، فضا از آن ظلمات رها شده و کمی روشن می‌شود؟

در این زمینه شیخ صدوق روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که بسیار جای تامل دارد: «وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّىٰ تُمَحَّصُوا وَلَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّىٰ يَشْقَىٰ مَنْ شَقِيَ وَ يَسْعَدَ مَنْ سَعِدَ؛ به خدا قسم ظهور نخواهد بود تا این که غربال شوید؛ به گونه‌ای که شقی به نهایت کار خود برسد و هر کس شقی شدنی است، آن شود و انسان سعادت‌مند به سعادت رسد»^۲.

این روایت و روایات بسیار دیگری در مقوله قیام‌های مورد تأیید؛ وجود یاران و پیروزی‌های آن‌ها را در زمان متصل به ظهور بیان می‌کنند و تماماً مؤید این سخن هستند که لزوماً جامعه قبل از ظهور تاریک مطلق نیست؛ چرا که این افراد از همان مردم، در همان جامعه رشد کرده و به این قدرت در ایمان رسیده‌اند که آن قیام‌ها را یاری کنند؛ برخلاف نگاه برخی که از روایات امتلای ظلم استفاده و این جامعه را سراسر تاریکی معرفی می‌کنند.

استاد مطهری در این زمینه می‌نویسد:

۱. رعد: ۱۱.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌التعمه، ج ۲، ص ۳۵۶.

«برداشت قشری از مردم درباره مهدویت و قیام انقلاب مهدی موعود علیه السلام، این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد؛ فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم‌ها، تبعیض‌ها، اختناق‌ها، حق‌کشی‌ها و تباهی ناشی می‌شود. آن‌گاه که صلاح به نقطه صفر برسد و حق و حقیقت، هیچ طرفداری نداشته باشد؛ این انفجار رخ می‌دهد و دست‌غیب برای نجات حقیقت از آستین بیرون می‌آید»^۱.

استاد مطهری در ادامه و در جواب دیدگاه مذکور می‌فرماید:

«درحالی‌که آیات قرآن کریم در جهت عکس برداشت بالا است؛ ظهور مهدی موعود، حلقه‌ای از حلقات مبارزه اهل حق و باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهمیم بودن یک فرد در این سعادت، موقوف به این است که آن فرد اهل ایمان و عمل صالح باشد. ظهور مهدی موعود تحقق‌بخش وعده‌ای است که خداوند متعال از قدیم‌ترین زمان‌ها در کتاب‌های آسمانی به صالحان و متقیان داده است که زمین از آن آنان است و پایان تنها به متقیان تعلق دارد»^۲.

۲. متوقف نبود ظهور به فراگیری فساد

این که از این روایات چنین استفاده و فرض شود که ظهور متوقف است بر فراگیری ظلم و فساد در عالم، ادعای بی‌اساسی است؛ چراکه:

اولاً: فراگیری ظلم و ستم شرط ظهور نیست. با توجه به تواتر احادیث باید گفت تحقق این حالت در آخرالزمان امری حتمی خواهد بود؛ اما نکته مهم این دقت به این مطلب است که این احادیث در صدد بیان شرط ظهور حضرت نیستند، بلکه صرفاً اخباری از احوال و اوضاع در آن زمان هستند؛ چراکه شرط برای مشروط، نقش فاعل و موجود را دارد؛ به این معنا که تحقق مشروط به تحقق شرط منوط می‌باشد؛ اما با مراجعه به روایات مهدویت روشن می‌شود که در هیچ روایتی فراگیری ظلم و ستم از شرایط ظهور امام عصر ذکر نشده است.

ثانیاً: فراگیری ظلم از علائم حتمی ظهور نیست. در این زمینه گفتنی است که علائم ظهور حضرت مهدی به دو دسته حتمی و غیر حتمی تقسیم می‌شوند. در هیچ یک از روایاتی که علائم حتمی ظهور امام زمان علیه السلام را شمرده‌اند، به فراگیری ظلم اشاره‌ای نشده است؛ به این معنا که فراگیری ظلم

۱. مطهری، مجموعه آثار استاد مطهری، ص ۴۳۶.

۲. همان.

علامتی از علائم ظهور عنوان نشده و فراگیری ظلم، صرفاً بیان رویکردهایی است که لاجرم در آخرالزمان ملاحظه می‌شوند.

۳. عدم منافات امتلای ظلم با اجرای عدالت در مواردی

وجود ظلم و ستم جهانی و فراگیر روی زمین، با وجود اشخاص و گروه‌ها و یا چندین شهر دارای حکومت عادلانه، منافاتی ندارد؛ چنان که اگر بگوییم در روز عاشورا، صحرای کربلا را ظلم و ستم فراگرفته بود، با وجود حضرت سید الشهداء علیه السلام و وجود جامعه کوچک اصحاب امام حسین منافاتی ندارد.

همچنین اگر وجود جامعه‌ای صالح و شایسته و یا یک گروه باتقوایی را که بین خود با عدالت زندگی می‌کنند، با ظهور امام علیه السلام منافاتی بدانیم؛ دیگر باید هر گونه حرکت و تلاش پیگیر را در راه ایجاد جامعه‌ای اسلامی، محکوم کنیم و دیگر برای مجاهدات راستین اسلامی رزمندگان مسلمان و پیکار خستگی‌ناپذیر مردان راه حق، و ایثار و فداکاری دانشمندان بزرگ اسلامی و شهادت‌های حماسه آفرین شهیدان بزرگی از فقها و دانشمندان اسلامی، در طول تاریخ غیبت کبرا، مفهومی نخواهیم یافت.^۱

۴. ارتباط امتلای ظلم با ظهور

از آنچه گذشت، روشن شد که روایات امتلای ظلم، اگر به درستی تبیین نشوند، چالش‌زا و در برخی موارد موجب ناامیدی، خمودی و توقف خواهند بود. به نظر می‌رسد مهم‌ترین نکته این باشد که ما رابطه امتلای ظلم و ظهور را به دست آوریم؛ به این صورت که روشن شود اصولاً میان پر شدن زمین از ظلم و فساد و ظهور منجی انسان‌ها چه رابطه‌ای وجود دارد.

بعد از بررسی معنا و مفهوم امتلای ظلم باید بررسی کرد که ظهور چه زمانی خواهد بود و این که آیا ظهور، خود الگویی مجزا از همه علائم حتمی و غیر حتمی است یا به وقوع آن‌ها وابسته است؟ در جواب باید گفت: ظهور به آن علائم وابسته نیست؛ چرا که اگر شرایط ظهور فراهم شوند، ظهور بدون هیچ کدام از آن علائم هم اتفاق خواهد افتاد. این معنا از روایت متواتر و مشهور رسول خدا نیز قابل استفاده است؛ روایتی که شیخ صدوق در مورد آن می‌نویسد: «قَدْ وَرَدَتِ الْأَخْبَارُ الصَّحِيحَةُ بِالْأَسَانِيدِ

۱. صدر، تاریخ غیبت کبری، ص ۱۰۵.

الْقَوِيَّة؛ رسول خدا فرمود: اگر نمانده باشد از دنیا مگر یک روز، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مهدی خروج کند؛^۱ یعنی اگر علائم ظهور هم اتفاق نیفتاد یا علائم اتفاق افتادند؛ اما مصلحت الاهی به ظهور نبود و این امر تا آخر دنیا طولانی شد و فقط یک روز از عمر دنیا باقی بود؛ خداوند آن روز را آنقدر طولانی خواهد کرد تا شرایط مهیا شود و ظهور اتفاق بیفتد.

تا این جا روشن شد که ظهور امری نیست که به وقوع علائم بسته باشد، بلکه زمانی که وقتی که شرایطش فراهم آمد، اتفاق خواهد افتاد. حال سوال این است که شرایط ظهور چیست؟ «شرایط ظهور» در اصطلاح مهدویت عبارتند از: زمینه‌هایی که تحقق ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را قطعیت مبخشد و آن را امری منطقی و لازم می‌نمایاند. اگرچه شرایط ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه به طور کامل برای ما روشن نیست؛ از سخنان معصومان علیهم السلام^۲ استفاده می‌شود که بخشی از بنیادی‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱. برنامه و طرح جامع؛
 ۲. رهبری شایسته و معصوم؛
 ۳. یاوران فداکار و آماده برای دفاع همه جانبه از امام معصوم؛
 ۴. آمادگی همگانی جامعه بشری برای پذیرش آن رهبر و هدایت‌گر.^۳
- همان‌گونه که یکی از مهم‌ترین علت‌های غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه نبود آمادگی عمومی است، برای تحقق آن وعده بزرگ الاهی که سه مرتبه در قرآن آمده است: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۴ در چنین وضعیتی، یکی از مهم‌ترین شرایط ظهور، همین آمادگی جهانی برای پذیرش این اصلاح جهانی است. این آمادگی به دو صورت می‌تواند رخ دهد:

۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷۷.

۲. مانند این عبارت امیرالمومنین در خطبه شمشقیه: «لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يَتَّأَرُوا عَلَى كَيْفَةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبَ مَظْلُومٍ لَأَلْفَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا؛ اگر حضور حاضر، و تمام بودن حجت بر من به خاطر وجود یاور نبود، و اگر نبود عهدی که خداوند از دانشمندان گرفته که در برابر شکمبارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت نکنند؛ دهنه شتر حکومت را بر کوهانش می‌انداختم».

۳. سلیمان، پرسمان مهدویت، ص ۲۲۳.

۴. فتح: ۲۸.

۱. **اقبال معرفتی:** آمادگی اختیاری این است که بشر به درجه‌ای از ایمان و معرفت برسد که خود از نبود حجت الهی به تنگ آید و مضطرانه امام را بخواهد. این حالت، به دلیل ضعف درک و فهم عمومی از درک جایگاه امامت و به علاوه به دلیل نهایت تلاش جبهه کفر برای گمراه سازی عمومی، بسیار دور از دسترس است؛ اما اگر این حالت در بشر ایجاد و اقبال عمومی برای پذیرش ولیّ معصوم الهی آماده شود؛ ظهور اتفاق می‌افتد؛ حتی بدون آن امتلای ظلم در عالم. این، همان عدم حتمی بودن است که به آن اشاره شد.

۲. **اقبال اضطراری:** بدین صورت که در آخر الزمان، اوضاع و احوال برای بشر به گونه‌ای رقم خواهد خورد که انسان جز اصلاح امور جهان به دست شخصی الهی چاره‌ای نمی‌یابد. بنابراین، همه دنبال آن منجی وعده داده شده در ادیان خود می‌گردند و او را صادقانه صدا می‌زنند. بشر به خاطر سختی‌هایی که کشیده است، از روی اختیار، منجی طلب می‌کند. در این قسم، به خاطر انتخاب‌هایی که بشر انجام داده یا در معرض آن قرار گرفته است، دچار ظلم و فساد فراگیری شده است و اصلاح آن را به دست خود، غیرممکن می‌داند.

این فساد فراگیر، در اصل مقدمه‌ای می‌شود تا بشر برای درخواست آن نجات دهنده به آمادگی لازم دست یابد.

پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، به علم الهی و تعالم قرآن کریم،^۱ چون حالت اول را برای بشر آن هم در مقیاس جهانی غیر قابل دست‌یابی می‌بینند؛ می‌فرمایند مهدی این امت کسی است که «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ زمین را پر از قسط و عدل می‌کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده است».^۲

در نتیجه اگر بشر، اختیاراً برای آمدن مصلح آماده شد، ممکن است ظهور وقتی رخ دهد که زمین پر از ظلم و جور هم نباشد؛ اما اگر این آمادگی ایجاد نشد، انسان وضعیت خود را به جایی می‌کشاند که جوامع بشری پر از ظلم و جور خواهد شد. لذا به خاطر این ظلم و جور برای درخواست عمومی نسبت به آمدن منجی عالم فضا مهیا می‌شود.

۱. براساس تعبیر متعددی از قرآن کریم، بیش‌تر انسان‌ها اهل تذکر، تعقل و شکر‌گزاری نیستند.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌التعمه، ج ۱، ص ۱۳۷.

مطالعہ ممدوے

پرسی و تحلیل عبارت «بِسْمِ اللّٰهِ بِهٖ اَلْاَرْضُ...»

نتیجه‌گیری

در مورد این بخش از روایات معصومان علیهم‌السلام، مبنی بر «پر شدن زمین از ظلم و جور» در آخرالزمان؛ تواتر لفظی وجود دارد و مورد قبول فریقین می‌باشد؛ اما نگاه این تکه از عبارت روایات باید با ملاحظه گرفتن سنت‌های الهی و علائم و شرایط ظهور صورت بگیرد. پس، با توجه به این که اقبال عمومی یکی از شرایط مهم ظهور مهدی موعود می‌باشد و این که بشر این آمادگی را یا با «اختیار» خود کسب می‌کند و یا با «انتخاب»‌هایی که در مسیر خود دارد، به بن‌بستی می‌رسد که برون رفت از آن، چاره‌ای نمی‌بیند جز آمدن آن منجی؛ این وضعیت اقبال به آن حضرت را موجب می‌گردد. لذا می‌توان نتیجه گرفت فساد آخرالزمان باعث به وجود آمدن آن نوع آمادگی می‌شود که از شرایط ظهور است. اما اگر بشر با اختیار به آن درک برسد که به منجی نیاز دارد و با اقبال و آمادگی در طلب آن برآید؛ خداوند منجی را می‌رساند؛ حتی بدون آن که ظلم و ستم فراگیر شود.

منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، التوحید، جامعه مدرسین، ۱ جلد، چاپ اول، قم، ۱۳۹۸ق.
 ۲. _____، کمال الدین و تمام النعمة، دار الکتب الإسلامية، ۲ جلد، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۹.
 ۳. _____، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۴ جلد، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۳ق.
 ۴. ابن حنبل، احمد بن محمد، أحادیث المهدي عليه السلام من مسند أحمد بن حنبل و يليه كتاب البيان في أخبار صاحب الزمان عليه السلام، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي، ۱ جلد، چاپ پنجم، قم، ۱۴۰۹ق.
 ۵. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدين، محمد بن مكرم، لسان العرب، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۵ جلد، چاپ سوم، دار صادر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
 ۶. ابو الحسين، احمد بن فارس بن زكريا، معجم مقائيس اللغة، انتشارات دفتر تبليغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۶ جلد، قم، ۱۴۰۴ق.
 ۷. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم، ۱ جلد، چاپ اول، الدار الشامیة، لبنان، سوریه، ۱۴۱۲ق.
 ۸. اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم في فوائد الدعاء للقائم عليه السلام، مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، ۲ جلد، چاپ پنجم، قم، ۱۴۲۸ق.
 ۹. اکبرنژاد، مهدی، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبليغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
 ۱۰. تونه‌ای، مجتبی، فرهنگ القیابی مهدویت موعودنامه، مشهور، چاپ بیست و ششم، قم، ۱۳۹۰.
 ۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية، دار العلم للملایین، ۶ جلد، بيروت، ۱۴۱۰ق.
 ۱۲. حجامی، حسین، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت، پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی، قم.
 ۱۳. حیدری، عزیز الله، مهدی عليه السلام تجسم امید و نجات، مسجد مقدس جمکران، ۱ جلد، قم، ۱۴۰۱ق.
 ۱۴. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر في النض على الأئمة الإثني عشر، بیدار، ۱ جلد، قم، ۱۴۰۱ق.

۱۵. راغب أصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، دار القلم، جلد ۱، چاپ اول، الدار الشامیة - بیروت ۱۴۱۲ق.
۱۶. سلیمیان، خدامراد، *پرسمان مهدویت*، جلد ۱، شباب الجنه، جلد ۱، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۱۷. _____، *فرهنگ نامه مهدویت*، جلد ۱، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، تهران، جلد ۱، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۸. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، *العرف الوردی فی أخبار المهدي*، المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية، المعاونة الثقافية، مركز التحقيقات و الدراسات العلمية، جلد ۱، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۹. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغة صبحی صالح*، جلد ۱، هجرت، جلد ۱، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۰. صاحب بن عباد، کافی الکفاة، اسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، عالم الکتاب، ۱۰ جلد، بیروت ۱۴۱۴ق.
۲۱. صدر، محمد، *تاریخ غیبت کبری (ترجمه)*، نیک معارف، جلد ۱، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۲.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۳. طباطبایی، سید محمد کاظم، *عدالت جهانی نماد سیاست مهدوی*، قم، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱۳، ۱۳۸۳.
۲۴. قرشی بنایی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، دار الکتب الاسلامیة، ۷ جلد، چاپ ششم، تهران، ۱۴۱۲ق.
۲۵. کارگر، رحیم، *مهدویت (دوران ظهور)*، جلد ۱، دفتر نشر معارف، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۸.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دار الکتب الإسلامیة، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، ۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربي، ۱۱ جلد، چاپ دوم، لبنان، ۱۴۰۳ق.
۲۸. محمدی اشتهاودی، محمد، *حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت*، مسجد مقدس جمکران، جلد ۱، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۷.
۲۹. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، مرکز الکتاب للترجمة و النشر، ۱۴ جلد، تهران، ۱۴۰۲ق.
۳۰. عسکری، ابی هلال حسن بن عبدالله، *معجم الفروق اللغویة الحاوی لکتاب ابی هلال العسکری و جزاء من کتاب السید نورالدین الجزائری*، محقق: بیت الله بیات زنجانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۹.
۳۱. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، صدرا، ۲۸ جلد، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۷.
۳۲. معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، ساحل، تهران، ۱۳۸۴.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، *حکومت جهانی مهدی علیه السلام نسل جوان*، جلد ۱، چاپ پنجم، ۱۳۸۶ش.

۳۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، (نعمانی)، *الغیبة*، مكتبة الصدوق، جلد، تهران، ۱۳۹۷ق.
۳۵. نعیم بن حماد، الفتن، *دارالکتب العلمیة*، جلد، چاپ دوم، بیروت - لبنان، ۱۴۲۳ق.
۳۶. نودهی، علیرضا، *نظریه‌ی اختیاری بودن ظهور*، موعود عصر ع، جلد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.

